

بررسی تطبیقی روش اعتراف‌گیری مرگ مصنوعی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا

احمد فلاحتی^۱، امیرعباس بزرگمهر^۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

چکیده

یکی از روش‌های کشف حقیقت در امور قضایی، مرگ مصنوعی است؛ بدین معنا که با القای حس اعدام یا هر روش مرگ به متهم، موجبات اعتراف ناخودآگاه وی برقرار می‌شود. این پژوهش با هدف مطالعه تطبیقی موضوع اعتراف‌گیری مرگ مصنوعی در فقه و حقوق ایران و تطبیق آن با حقوق ایالات متحده آمریکا انجام شده است. مسئله اجرای روش مرگ مصنوعی در فقه اسلامی نیز آمده و در روایات بدان اشاره شده است. از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، منع اقرار توسط شکنجه مورد تأکید قرار گرفته است. خط قرمز استفاده از روش مرگ مصنوعی در حقوق ایران نیز عدم استفاده از شکنجه و هرگونه اجبار در اعتراف‌گیری است، اما این مسئله در حقوق ایالات متحده آمریکا به گونه‌ای کاملاً آزادانه و بدون حد و مرز در حال اجراست که اعتراض نهادهای حقوق بشری را به دنبال داشته است. این مسئله به‌ویژه در موارد امنیتی، آزادی بیشتری برای مسئولان مربوطه دارد. نتیجه اینکه مقیدشدن روش مرگ مصنوعی به چهارچوب قانون منع شکنجه، برای کشف حقیقت واقعی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: کشف حقیقت، مرگ مصنوعی، ادله اثبات، کامن‌لای آمریکا.

^۱ دانش‌آموخته دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت، تهران، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول) drabozorgmehr@gmail.com

مقدمه

مسئله تحقیقات قضایی در علم حقوق، به بلندای قدمت بشریت و از اصول ابتدایی حقوقی است. منابع فقهی که معمولاً پیامبران را داوران خطاب می‌کردند، به کیفیت تحقیقات در رسیدگی به دعوا اشاره داشته‌اند؛ از این رو مسئله تحقیق و کشف حقیقت بر پایه منابع فقهی استوار بوده و قدمت زیادی دارد. بر این مبنا، مسئله شهادت ریشه فقهی عمیقی دارد و بحث‌های مختلفی در این باره آمده است. همچنین نظر ائمه معصوم(ع) و سیره آنان در رابطه با شهادت قابل توجه است. به‌هرحال، هدف کلی آن بوده است که حقیقت یک امر برای قاضی که مسئول اجرای عدالت است، آشکار شود. اصول حقوقی در بیشتر موارد ضمن توجه به کشف حقیقت واقعی، استناد آن را مدنظر داشته‌اند؛ از این رو اقراری که با شکنجه گرفته شده باشد، فاقد اعتبار است و این مسئله به صورت یک مسئله حقوقی درآمده است.

یکی از مهم‌ترین اصول کلی کشف حقیقت که دیگر روش‌ها در زیرمجموعه آن قرار دارند، مرگ مصنوعی است؛ بدین معنا که با القای مرگ به متهم، وی را به اقرار و می‌دارند. قدیمی‌ترین منابع فقهی به این مسئله اشاره داشته‌اند و پیشینه آن به زمان حضرت یوسف(ع) و در زمان کودکی ایشان بازمی‌گردد. از سوی دیگر، قانون اساسی کشورمان به مسئله منع شکنجه اشاره کرده و در اصل کلی بیان شده است که هرگونه شکنجه با هدف گرفتن اقرار ممنوع است. پس از آن قانون منع شکنجه تصویب شد و در مفادی دیگر از آیین دادرسی مدنی و کیفری به‌صراحت این مطلب مورد اشاره قرار گرفت. روش‌های متنوعی از مرگ مصنوعی در ایالات متحده آمریکا اجرا می‌شود و در عمل اصول اولیه حقوق بشر را زیر پا می‌نهد. در این پژوهش، مطالعه تطبیقی بین حقوق کشورمان با کامن‌لای آمریکا در مورد روش مرگ مصنوعی انجام شده است.

۱. مرگ مصنوعی

همان‌طور که بیان شد، مرگ مصنوعی القای مرگ است که زیرمجموعه‌های فراوانی دارد. در گذشته چشمان متهم را بسته و وی را به گردن‌زدن تهدید می‌کردند و در لحظه پایان عمر، متهم به واقعیت اقرار می‌کرد. تیرباران متهم با چشمان بسته و شلیک تیر به نقاط امن، یکی دیگر از این روش‌هاست. حتی گزارش‌هایی در مورد سنگسار مصنوعی شنیده شده است و چون مرگ فرد توسط سنگسار به مدت زمان خاصی نیاز دارد، در طول این مدت، احتمال اقرار به واقعیت وجود داشته است (زارع‌شعار، ۱۳۹۵: ۱۸۰). جدیدترین روش مرگ مصنوعی، غرق‌کردن است که در

ایالات متحده آمریکا بارها استفاده شده است.

غرق مصنوعی یا القای حس خفگی با آب، شیوه‌ای از شکنجه است که در آن بازجوها شخص بازداشتی را برهنه کرده، به یک تخته‌چوب می‌بندند و با قراردادن ارتفاع سر پایین‌تر از ارتفاع پاها، پارچه‌ای بر سروصورت فرد بازداشتی می‌بندند و با آبریختن و خیس کردن پارچه به صورت متناوب، امکان نفس کشیدن را از بین می‌برند. فرد با هر نفس به جای تنفس هوا، آب را وارد مجاری تنفسی می‌کند، اما چون سر پایین‌تر از بدن است ریه پر از آب نمی‌شود. در تعدادی از فیلم‌های سینمایی این شیوه شکنجه نمایش داده شده است. هنوز مشخص نیست دقیقاً در چه کشورهایی این شیوه از طریق نهادهای رسمی اجرا می‌شود (بالمر، ۲۰۱۸: ۴۷).

هانری الگ در کتاب خاطراتش با عنوان «بازجویی» شرح می‌دهد چگونه با شوک الکتریکی شکنجه شده است، پوست او را سوزاندند و شکنجه با آب (خفگی مصنوعی) را بارها روی او آزمایش کردند. وی همچنین شرح می‌دهد چندین بار به مدت طولانی از دستگاه‌های مختلف آویزان شده است (بالمر، ۲۰۱۸).

«خدمات ملی مخفی» که مرکز ضد تروریستی سازمان اطلاعات مرکزی امریکاست، پس از حملات ۱۱ سپتامبر و با کسب نظر وزارت دادگستری امریکا، در زندان‌های مخفی سیا در خارج از خاک ایالات متحده امریکا برای بازجویی از مظنونان به انجام اعمال تروریستی از تکنیک‌هایی همچون القای حس خفگی با آب^۲ استفاده می‌کرد. این روش‌های مرکز ضد تروریستی سیا، مدت کوتاهی پس از تصدی باراک اوباما به عنوان ریاست جمهوری امریکا ممنوع اعلام شد. بر اساس مدارک منتشر شده توسط سازمان سیا، دست‌کم سه نفر توسط بازجویان سازمان اطلاعات مرکزی امریکا در سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ میلادی، با استفاده از شیوه غرق مصنوعی مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. خالد شیخ محمد، ۱۸۳ مرتبه، ابوزبیده ۸۳ مرتبه و عبدالرحیم النشیری ۲ مرتبه برای غرق مصنوعی به تخته بسته شده‌اند. دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا در ژانویه ۲۰۱۷ گفت که به انجام شیوه‌های شکنجه مانند «القای حس غرق شدن» باور دارد (بریان، ۲۰۱۹: ۴۷).

۱. Balmer

۲. Waterboarding

۳. Bryan

۲. مرگ مصنوعی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

روش‌های علمی پلیسی، پلیس علمی و سایر بررسی‌ها و مطالعه در آثار علوم و روان‌شناسی جنایی، اندیشه و روان مجرم را تجزیه و تحلیل می‌کنند. پلیسی که بهره‌ای از روان‌شناسی جنایی داشته باشد می‌تواند از دقت غیرارادی یا تغییرات ناگهانی رنگ چهره اشخاص، تمایلات آنان را تشخیص دهد. حضرت علی(ع) می‌فرماید کسی چیزی را پنهان نمی‌کند، مگر آنکه در لابه‌لای گفتار یا در چهره‌اش آشکار می‌شود. روان‌شناسی جنایی به ما می‌آموزد به محض وقوع جنایات باید از مظنونان بازپرسی به عمل آید تا نتوانند برای فرار از عدالت، مطالبی را بسازند و فرصت سرهم‌بندی نابجای مطالب برای اغوای بازپرس و قاضی و محکمه یا تبانی نداشته باشند (رجب، ۱۳۹۳: ۴۳).

دادرسی در جهان امروز و در عصر ما با شیوه‌های گوناگون کشف جرم و بازپرسی همراه است و می‌توان از دستگاه‌های پیچیده و پیشرفته در این زمینه کمک گرفت. جرم، خود ضوابط و شرایط ویژه‌ای دارد و ممکن است مجرم دارای انگیزه تحت تأثیر عوامل گوناگون دست به ارتکاب جرم بزند. آگاهی از این شیوه‌ها و علل و عوامل، می‌تواند قاضی را در کشف جرم و علل آن یاری دهد، و با کشف حقیقت حکم واقعی و به‌حق صادر کند. امروزه روان‌شناسی قضایی امری جاافتاده در دادرسی است و امروز در بیشتر دانشکده‌های حقوق و روان‌شناسی قضایی تدریس می‌شود.

قاضی جزایی یا کیفری با آشنایی به علوم روانی، هنگام بازجویی با صدور حکم دچار اشتباه نمی‌شود. از رفتار متهم گرفته تا شهود و حتی تماشاچیان و افراد حاضر در دادگاه، همگی موضوع روان‌شناسی قضایی را تشکیل می‌دهند (سهرابی، ۱۳۸۸: ۱۵).

بسیاری از علوم که در رابطه با کار قضا و دادرسی به‌ویژه در حقوق جزا به کار می‌روند، قدمت زیادی ندارند؛ برای مثال، علوم جنایی در غرب دارای ابهام‌هایی بوده است، ولی از اواسط قرن نوزدهم و پس از طرح نظریه لمبروز ایتالیایی توسعه یافته است. معرفت النفس جنایی یعنی تحلیل اندیشه و روحیه مجرمان، و علم طب دماغی، اندیشه و افکار مجرمان را مطالعه می‌کنند.

علم‌الاجتماع جنایی که موضوع آن بحث از عوامل اجتماعی جرم است، پزشکی قانونی، دقت در آثار محل وقوع جرم یا شخص مجنی‌علیه را شامل می‌شود و می‌تواند به کیفیت ارتکاب جرم و هویت فاعل جرم نظر دهد. به جرئت می‌توان گفت حضرت علی(ع) مبتکر بسیاری از این علوم بوده است. داوری آن حضرت درباره پنج نفر که مرتکب زنا شده بودند، در محضر خلیفه به سنگسار

محکوم شده و به سوی مجازات رهسپار بودند؛ یادآوری دربارهٔ دو زنی که مدعی بودند فرزندِ پسری از آن هرکدام‌شان است، با وزن کردن شیر زنی که مدعی بود پسر زاییده؛ و تفریق در گواهان و غیره، گویای این حقیقت است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۵). قضاوت‌های ویژهٔ آن حضرت که گاهی از آن‌ها به قضاوت‌های محیرالعقول تعبیر می‌شود، به چند بخش تقسیم می‌شوند:

۱. رویه ویژهٔ قضایی که تنها برای کشف حق است؛ به گونه‌ای که برای متهم و مجرم جز اقرار و اعتراف راهی نماند؛
 ۲. رویه آزمایش و سنجش که در آزمایشگاه‌های امروزی متداول است و علی(ع) مبتکر آن بود مانند وزن کردن شیرِ زنانی که مدعی پسرزاییدن بودند و قرار دادن لباس به‌ظاهر آلوده به جنایت در آب جوش؛
 ۳. روش‌هایی برای کشف حيله و نیرنگ طرف دعوا به‌طوری که بر همگان آشکار شود؛
 ۴. رویه بازجویی خاص تا دروغ متهم نزد همهٔ حاضران برملا شود؛
 ۵. در مواردی که حضرت با به‌کارگیری فرمول‌های دقیق ریاضی، مشکل مالی و نزاع‌های ارثی و مالی را حل کرده‌اند؛ و نیز مسئله دیناریه و تقسیم هفده شتر در بین سه نفر با سهام ۱۱ بدون آنکه شتر کم بیاید یا مجبور به پرداخت قیمت شود؛
 ۶. روش‌هایی که به طرف تلقین افکار می‌دهد تا اقرار نکند. این مورد تنها در زمانی که بر حسب دستور شرع لازم است و نیز در مواردی که طرف و افراد مبدا بی‌جهت اعتراف به گناه کنند، به کار می‌رود که پس از ثبوت اقرار و اعتراف حکم خدا و حد باید اجرا شود.
- مهم‌تر از همه آن است که علی(ع) علم قضا را از وحی پیامبر(ص) آموخته و از سرچشمهٔ بیکران علوم الهی و وحی نبوی برخوردار شده است. ایشان هنگام اعزام برای قضاوت به یمن توسط پیامبر(ص) گفت: یا رسول الله من جوانم، شاید همهٔ علوم قضا را ندانم. پیامبر فرمود: نزدیک من بیا و آن‌گاه دست روی سینهٔ آن حضرت نهاد و فرمود: خدایا دل و فکر او را با دانش بی‌پایانت هدایت کن و زبانش را ثابت و استوار دار. آن حضرت فرمود: پس از آن حتی در مسئله و موردی از قضاوت بین دو نفر تردید نکردم و در هیچ امری شک نمودم (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۴۳). به همین جهت بود که حضرت ابتکارهای جالبی در امر قضا داشت و نکته و رموزی از قرآن در رابطه با احکام قضایی استنباط می‌کرد که برای همگان جالب بود و تازگی داشت.

بسیاری از حقوق‌دانان، در رابطه با مسئله قضا و دادرسی، خصوصیات مجرم و حالات روحی و روانی و وضع خاص او را در کیفر مؤثر می‌دانند و معتقدند نباید درباره همه یکسان حکم به کیفر داد؛ چنان‌که برخی از حقوق‌دانان غرب‌زده ممکن است قوانین جزایی و کیفری اسلام را به باد انتقاد بگیرند که چگونه برای زنا و دزدی و غیره در همه موارد یک حکم دارد و قاضی باید عنصر جرم و حالات مجرم را در نظر بگیرد. در پاسخ باید گفت چنین نیست؛ گرچه حکم کلی است، ولی ویژگی‌هایی در آن نهفته است که قاضی می‌تواند بر اساس آن کیفر را سنگین یا سبک کند، چنان‌که علی(ع) انجام داد، علی(ع) مبتکر این نوع دادرسی است و نمونه‌های زیادی از دادرسی‌های آن حضرت در این رابطه نقل شده است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مرحوم کلینی در باب نوادر کافی از اصبع بن نباته نقل می‌کند: «پنج مرد زانی را نزد عمر آوردند. او دستور داد حد زنا (صد تازیانه یا سنگسار) را درباره تمام آنان اجرا کنند. علی(ع) در مجلس حاضر بود، فرمود: ای عمر این حکم آنان نیست. عمر گفت: تو حد و حکم را اجرا کن. علی(ع) فرمود: این یکی را گردن بزنند، دومی را سنگسار کنند، سومی را صد تازیانه و چهارمی را پنجاه ضربه شلاق و پنجمی را هم تعزیر کنند». عمر و سایر حاضران تعجب کردند که چگونه علی(ع) در جریانی واحد پنج نوع حکم صادر می‌کند و توضیح خواستند، حضرت فرمود: اولی مسلمان نیست و در ذمه است و چون با زانی با مسلمان از ذمه خارج شده است، حکمش قتل است، نه حد زنا! دومی زانی محصنه کرده است، زن داشت و با امکان زناشویی مرتکب زنا شده است، حکمش سنگسار است و سومی زانی معمولی و غیرمحصنه کرده است که باید صد ضربه شلاق بخورد (حد زنا). چهارمی چون برده و عبد است و حد عبد نصف حر است، پس باید پنجاه ضربه شلاق بخورد، پنجمی مجنون است و دیوانه تکلیف ندارد، پس حد ندارد و برای اینکه برسد و خلاف نکند تنبیه بشود، باید تعزیر شود (کلینی رازی، ۱۳۸۸: ۴۳۱).

۲. در کافی و تهذیب از امام باقر(ع) نقل می‌کند جوانی با گروهی هنگام ورود در مسجد با گریه از علی(ع) درخواست کردند که قضاوت کند. او گفت: پدرم با این‌ها به مسافرت رفت. مال زیادی همراه داشت و همه آمدند ولی پدرم نیامد، وقتی می‌پرسم می‌گویند مالی به جا نگذاشت! و شریح هم قضاوت کرد و آنان را سوگند داد و سوگند هم خوردند، ولی من یقین دارم پدرم با این‌ها رفت و مال زیادی نیز با خود داشته است و این قضاوت صحیح نیست. علی(ع) آنان را فرستاد و جریان را

از شریح پرسید. وی نیز جریان قضاوت خود را گفت که ادعای جوان بی‌بینه نداشت، این‌ها هم منکر بودند که سوگند خوردند. حضرت فرمود: آیا دربارهٔ چنین قضیهٔ مهمی این‌گونه سطحی قضاوت می‌کنند، و لذا تحکم فی مثل هذا؟ حضرت در پاسخ شریح فرمود: «و الله الا حکمن فیهم بحکم ما حکم به قبلی الا داور النبی». آنگاه چند تن از اعضای شرطه را طلبید و هریک را به یکی سپرد و گفت می‌پندارید که نمی‌دانم چه بر سر پدر این جوان آورده‌اید؟ هریک را به ستونی بست و چشم‌هایشان را پوشاند، آنگاه مفتی مخصوص خود/ابی رافع را طلبید، مردم را حاضر ساخت و گفت: هرچه گفتند و اقرار کردند بنویس. هر وقت من تکبیر گفتم شما نیز تکبیر بگویید. آنگاه ریز جریان را از یک‌یک آنان پرسید؛ کی خارج شدید، چه روزی از کجا در کدام شهر، در چه سالی و تا کی، فلانی با شما بود؟ کجا بیمار و چگونه دفن شد؟ حضرت پس از شنیدن جریان تکبیر گفت. چون دیگران نمی‌دانستند که رفقایشان چه گفتند، دقیقاً اقرار کردند (سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۳۳).

۳. جوانی فریاد می‌زد این مادرم است و دو سال شیرم داده و مرا طرد می‌کند. زن انکار می‌کرد و شواهدی نیز داشت. عمر جوان را محکوم به زندان کرد. وی از علی(ع) یاری خواست. آن حضرت حرف‌های جوان و زن را شنید. شاهدان که خواهران زن بودند، گواهی دادند این زن اصلاً شوهر نکرده است و دوشیزه است. حضرت فرمود: اختیار به من می‌دهد؟ همه گفتند: آری، گفت: این زن و این جوان را برای هم تزویج می‌کنم، مهریه ۴۰۰ درهم از خود، پس از عقد و پرداخت مهریه، عروسی کنند. زن عرض کرد: ای پسر عم رسول خدا! مرا به پسرم تزویج می‌کنی؟! او بچهٔ من است! و بدین ترتیب اعتراف کرد (زهیلی، ۱۴۱۸: ۴۴).

۴. دو نفری که از مناطق کوهستانی به قصد حج آمده بودند، هریک مدعی بود دیگری غلام من است، هرچه کردند هیچ‌یک اقرار نکردند و هر دو قسم خوردند که دیگری غلام من است. حضرت فرمود به نظرم نمی‌خواهید راست بگویید. آنگاه فرمود: شما سرتان را از این سوراخ بیرون کنید و به آن دیگری نیز گفت سر خود را از این سوراخ بیرون کن. چنین کردند. سپس با صدای بلندی گفت: قنبر شمشیر پیامبر خدا(ص) را برایم بیاور که می‌خواهم گردن غلام را بزنم. آنکه واقعاً غلام بود، فوراً گردن خود را از دیوار بیرون کشید، ولی دیگری ماند و به اولی گفت: تو که می‌گفتی غلام نیستم، گفت: آری اما چون به من خیلی ظلم کرده بود، خواستم از این راه خلاص شوم. حضرت غلام را به او سپرد و سفارش کرد آزارش نکند (زهیلی، ۱۴۱۸: ۴۴).

۵. درباره ادعای دو زن نسبت به کودکی که نتوانستند در اختلاف حاصله یکدیگر را قانع کنند، حضرت ابتدا نصیحت کرد ولی مؤثر نشد، فرمود می‌خواهم بچه را نصف کنم، نصف را به تو و نصف دیگر را به این یکی بدهم، یکی ساکت ماند و دیگری گفت: تو را به خدا اگر مصمم بر تقسیم هستی نکن، و بچه را بده به او. من مادر او نیستم، حضرت به دومی فرمود: اگر مادرش بودی احساس عاطفی داشتی و حاضر به مرگ او نمی‌شدی. او هم اعتراف کرد (زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۴).
۶. رویه آزمایش و سنجش که امروزه یکی از راه‌های کشف جرم و مجرم است، شامل انجام آزمایش‌های مختلفی است که از شخص به عمل می‌آید. این شیوه نوین و نوظهور در رابطه با آزمایش خون وجود دارد که قرن‌ها پیش امیر مؤمنان به کار بسته است. دو کودک نوزاد یکی پسر و دیگری دختر که مادران‌شان هر دو مدعی بودند دختر از آن دیگری است و پسر مال خودش است، نصایح علی(ع) درباره‌شان مؤثر نشد و همچنان پافشاری می‌کردند. حضرت دستور داد شیر هر دو زن وزن شد. فرمود آنکه شیرش سنگین‌تر بود مادر پسر است و دیگری مادر دختر (عبدالرحمان، ۲۰۱۰: ۴۴).
۷. زنی که با شیوه‌ای نادرست و حيله‌ای عجیب می‌خواست جوان معشوق خود را متهم سازد، به لباس خود سفیده تخم‌مرغ مالیده بود و به‌عنوان سند جرم و تجاوز آن جوان ارائه داده بود. برای همگان نیز ثابت شده بود که زن مورد تجاوز قرار گرفته است. ولی علی(ع) فرمود: آب جوش حاضر کنند و سپس لباس آلوده را در آب جوش نهادند. کاملاً روشن شد که این سفیده تخم‌مرغ است نه باقی‌مانده آثار تجاوز (عاملی، ۱۴۱۱: ۵۵).
۸. در رابطه با همسر جوان و دوشیزه پیرمردی که می‌پنداشت حمل زن نامشروع است و حتی عثمان پس از چند پرسش دستور اجرای حد زنا را بر زن حامله جوان داده بود، حضرت فرمود: امکان نفوذ نطفه بدون دخول و سلب بکارت نیز هست. پس از سؤال و جواب و آزمایش معلوم شد که زن جوان حامله، باکره است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۴۴).
۹. آورده‌اند که یوسف پیامبر(ع) در زمانی که به‌تازگی به قصر عزیز مصر وارد شده بود و طفلی بیش نبود، روزی همراه پوطیفار (عزیز مصر) به حیاط قصر رفت که اعلام کردند دو نفر از نگهبانان دست به دزدی زده‌اند و هریک دیگری را متهم می‌کنند. پوطیفار دستور گردن‌زدن هر دوی آنان را داد. یوسف با سن کودکی که جوهره علم را از حضرت حق گرفته بود، به‌آرامی در گوش پوطیفار گفت: به من اعتماد کن چه می‌گویم. سپس گفت من دانستم که چه کسی دزد است. به دستور وی،

هر دوی متهمان را به زانو خوابانده و چشمانشان را بستند. یوسف بدون اشاره و تنها با صدای بلند گفت این است! این دزد است! گردن او را بزن. سپس با اشاره به مأمور فهماند که صدای کشیدن شمشیر را درآورد. با شنیدن این صدا، یوسف با قاطعیت گفت این دزد را گردن بزن. همین که حرف زده شد، متهم به پای پوطیفار افتاد که مرا ببخش؛ خطا کردم. سپس همگی به خنده افتاده و از هوش و ذکاوت این کودک تعجب کردند (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۴۴).

از این مثال‌های فقهی چنین برداشت می‌شود که از دیدگاه علوم دینی، گرفتن اقرار با روش مرگ مصنوعی - اگر به اجبار نیانجامد - مشکلی ندارد و مجاز است.

۳. مرگ مصنوعی در حقوق ایران

در مورد اثبات حقیقت در دادگاه‌ها، می‌توان ترتیب ذیل را برای اعتبار ادله بیان داشت:

۱. اقرار واقعی منطبق بر منطق مسئله؛

۲. شهادت واقعی منطبق بر منطق مسئله؛

۳. اسناد و گزارش‌هایی که صحت آن‌ها به اثبات رسیده است؛

۴. علم قاضی به استناد امارات (بسته به قوت امارات، رأی صادره از اعتبار متفاوتی برخوردار است).

قاضی در صدور رأی خود مستقل است و در آیین دادرسی‌های مدنی و کیفری به این امر اشاره شده است. دخالت قاضی دیگر در امر صدور پرونده، از نظر قانونی متفی شده است. این مسئله می‌تواند به ضمانت حقوقی قوی‌تری در علم قاضی منجر شود. به‌رحال چنین به نظر می‌رسد که اعتبار حکم صادره به استناد علم قاضی می‌تواند بر اساس حقوق عرفی و مثال‌های حقوقی معتبر شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

قانون‌گذار بر مبنای فقه امامیه، برای اثبات موضوع مورد بحث (حقوقی یا کیفری) در دادگاه که مبنای صدور رأی قرار می‌گیرد، شرایطی را تعیین کرده است. از آنجاکه قضات تحقیق خود نیز حقوق‌دان هستند، با اشراف به این قوانین، حین تحقیقات در جهت یافتن اسناد محکمه‌پسند، حرکت می‌کنند. در واقع نظارت قضایی در مسیر تحقیقات، زمینه‌ساز صدور حکم مستند است و به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار ممنوع است. این اصل به صورت منطقی و جهان‌شمول در تمامی نظام‌های حقوقی جهان مشاهده شده است. در حالت اجبار، ممکن است شخص

به اقرار دروغ روی آورد تا از خود محافظت کند و طبیعی و منطقی است که چنین اقراری قابل قبول نخواهد بود. در تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان آمده است علاوه بر مسائل شکنجه، هرگونه اجبار و فشار غیرمنطقی با هدف اخذ اقرار، مستوجب لغو اعتبار آن است (بزرگمهر، ۱۳۸۹: ۴۴).

بدین ترتیب این اختیار مطرح است که تنها بر اساس روش‌های نوین بازجویی که مبتنی بر غیراجباری بودن است، بتوان از متهم اقرار گرفت. از سوی دیگر قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ به تفصیل در این باره سخن گفته و ضمانت‌هایی را برای اقرار نگرفتن به وسیله شکنجه، تعیین کرده است. به موجب مفاد این قانون، هرگونه تنبیه و آسیب بدنی اشخاص ممنوع و اقرار حاصل از آن کاملاً بدون اعتبار است. از سوی دیگر ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمانت‌های دیگری را برای جلوگیری از اقرار اجباری وضع کرده است که به موجب آن، ضابطان دادگستری در صورت شکنجه متهم با هدف اقرار، به حبس و جزای نقدی و حتی دیه محکوم می‌شوند. با توجه به ضمانت‌هایی که در قوانین موجود است، مسئولان تحقیق قضایی تنها می‌توانند در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام یک فرد با هدف تأمین، متهم را بازداشت موقت کنند و تا زمان برائت، مانع از فرار وی شوند. به موجب مواد ۲۲، ۳۲ و ۳۳ آیین دادرسی کیفری، قاضی تحقیق حق دارد در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام، بازداشت موقت را تا زمان دستیابی به نتیجه، تمدید کند. روش‌های نوین بازجویی که به گونه‌ای قرائن و امارات اتهام است تا زمان تعیین تکلیف موضوع، اختیار بازداشت را به قاضی تحقیق می‌دهد و این ضمانتی است برای مسئولان تحقیق قضایی که با استفاده از روش‌های نوین، به کشف حقیقت مبادرت ورزند. البته باید مسئله اجبار و فشار غیرمنطقی در اقرارگیری را خط قرمز فعالیت قرار داد تا از نظر منطقی بتوان به نتایج به دست آمده، اعتماد کرد.

۴. مرگ مصنوعی در کامن‌لای آمریکا

پرواضح است که ایالات متحده آمریکا در جایگاه ابرقدرتی خود، در نقاط مختلف جهان حضوری فعال دارد؛ از این رو جایگاه بازداشت و اعتراف‌گیری در این کشور، خارج از محدوده حقوق داخلی آن حرکت کرده و در راستای سیاست‌های توسعه‌طلبی کاخ سفید قرار دارد. اعضای القاعده مهم‌ترین هدف تحقیقات سازمان سیا بوده‌اند. از روش‌های نوین بازجویی که درباره این افراد به کار گرفته شده است، عمل غرق مصنوعی، اعدام مصنوعی و در مواردی حتی شکنجه‌های نامتعارف غیراخلاقی

نیز گزارش شده است. عمل اعدام مصنوعی چیزی شبیه آن است که در ماجرای فقهی بدان اشاره شد؛ یعنی با فرض اعدام، متهم زبان به اقرار می‌گشاید. مشابه این مسئله در کتب فقهی نیز وجود دارد. از دیدگاه روان‌شناسی، چنین اقداماتی می‌تواند زبان را به اقرار راستین بگشاید. افراد از ترس مرگ مصنوعی، به تمام حقایق اقرار کرده و این امر می‌تواند سر نخ ماجرای دیگری را بگشاید، اما دیگر روش‌های شکنجه نامتعارف با روش‌های نوین بازجویی سازگاری ندارد، چراکه اصل کلی گرفتن اقرار که در آن اعتراف حاصل از شکنجه بی‌اعتبار است، در آن اجرا نشده است.

اعدام مصنوعی که در منابع فقهی نیز ریشه دارد، می‌تواند روش مناسبی برای گرفتن اعتراف راستین باشد. در گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشر، بارها به شکنجه‌های نامتعارف سازمان سیا با هدف گرفتن اقرار اشاره شده است. از دیدگاه حقوقی می‌توان به چند نکته مرتبط با این موضوع اشاره کرد: نخست اینکه قوانین اعتراف‌گیری برای حقوق داخلی و مسائل غیرامنیتی امریکا تبیین شده است و در مسائل امنیتی، کامن‌لای امریکا هر اقدام مقتضی با هدف پیشبرد اهداف ملی را مجاز می‌داند. در حقوق داخلی این کشور همچون دیگر کشورها، اقرارگیری با شکنجه ممنوع است و در مسائل غیرامنیتی کاملاً رعایت شده و رسیدگی به شکایت‌های این حوزه با دقت انجام می‌شود، اما در مورد مسائل امنیتی، اثر مستقیم بازجویی‌ها معمولاً به سیاست‌گذاری‌های حوزه امنیتی و نظامی بازمی‌گردد و جنبه محاکمه کیفری یا دعوی حقوقی ندارد (هال، ۲۰۱۹: ۴۵)؛ بنابراین اثبات جرم در این حوزه صورت نگرفته است و کامن‌لای امریکا هر اقدام مقتضی در این حوزه را مجاز شمرده است.

از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، دستگیری اتباع خارجی و بازجویی از آنان همراه شکنجه، عملی نکوهش شده است. هرچند حقوق داخلی امریکا اجرای چنین عملی را بلامانع خوانده است، ولی از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل این امر دارای مشکلاتی است که به واسطه ابرقدرتی امریکا نادیده گرفته می‌شود. حقوق بین‌الملل توسط فاتحان جنگ جهانی دوم نگاشته شده و جایگاه ویژه‌ای به این قدرت‌ها داده است (نویگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۵۰). از این مسائل نتیجه گرفته می‌شود تعارض حقوق بین‌الملل با شکنجه‌های سازمان سیا، قابلیت پیگیری سیاسی ندارد و تنها به محکومیت حقوقی ایالات متحده امریکا منجر خواهد شد.

۱. Hall

۲. Newig

همان‌طور که بیان شد، کامن‌لای امریکا در مسائل امنیتی اختیارات کاملی به سازمان سیا داده است و هدف، تنها پیگیری‌های امنیتی در این حوزه است که اسناد چندانی از آن موجود نیست. برای مثال، گرفتن اعتراف به هر روش ممکن (اصولی و غیراصولی) از اعضای القاعده تا مخفیگاه‌های سازمان را لو دهند، سرنخی برای ارتش امریکا بوده است تا نسبت به پیگیری موضوع اقدام کند. در صورت صحیح بودن ادعا، امریکا اقدامات مقتضی همچون هدف قراردادن پایگاه‌ها را در دستورکار خود قرار می‌داد و یا با کسب اطلاعات بیشتر در مورد ساختار القاعده، به تقویت بنیه اطلاعاتی ارتش امریکا در برخورد با آنان می‌پرداخت. در واقع می‌توان خارج‌بودن ساختار قضایی از چنین بازجویی‌ها را ویژگی اصلی آن دانست. این مسئله کم‌وبیش در کشورهای دیگر نیز مشاهده شده است و تنها در موارد مقتضی، دادستان ویژه برای نظارت حقوقی بر اعمال مقامات امنیتی منتصب می‌شود.

در مورد شکنجه‌های سازمان سیا باید گفت که به‌طورکلی خارج از سیستم قضایی بوده و تنها حیطه امنیتی دارد (تروجه^۱ و گلاچ^۲، ۲۰۱۹: ۱۰)؛ از این‌رو هدف، اثبات یک مدعا نیست، بلکه هر اماره‌ای می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در مسائل غیرامنیتی، مسئولان تحقیق قضایی با روش‌های نوین بازجویی سعی در اقناع قاضی دادگاه در صدور رأی دارند که گاه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. در واقع چهارچوب اثبات جرم یا اثبات دعوا در آثار بازجویی باید رعایت شود، اما در مسائل امنیتی غیرقضایی، هدف تنها آن است که اماره‌ای با شدت و قوت مشخص تعیین شود و در دستورکار بعدی قرار گیرد یا دست‌کم منجر به تقویت رویه اطلاعاتی شود (بکر^۳ و دوتله^۴، ۲۰۱۸: ۴۳)؛ از این‌رو اقرار با شکنجه که در اثبات جرم هیچ نقشی ندارد، در مسائل امنیتی سرنخی برای آغاز تحقیقاتی دیگر به شمار می‌آید.

کامن‌لای امریکا سازمان سیا را در این مورد محق دانسته و منابع حقوق بین‌الملل با وجود محکومیت این اقدامات، قادر به پیگیری‌های بیشتر نخواهند بود، اما روش‌های نوین بازجویی در این حوزه می‌تواند مورد توجه مسئولان تحقیقات قضایی باشد. شکنجه با هدف اقرارگیری در هیچ‌یک از سیستم‌های حقوقی جهان پذیرفته شده نیست، ولی اعدام مصنوعی با توجه به ریشه فقهی آن عملی

۱. Troje

۲. Gluch

۳. Becker

۴. Dutelle

کاملاً تصدیق شده در این حوزه است که روان‌شناسان این حوزه مدل‌های مختلف آن را ارائه داده‌اند. به‌طور کلی هدف این است که به متهم چنین القا شود که قرار است اعدام شود. منظور از اعدام روش‌های مختلف مرگ همچون تیرباران، غرق شدن، گردن‌زدن و غیره است که متهم از ترس چنین واقعه‌ای خود لب به سخن بگشاید. سازمان سیا بارها از روش غرق مصنوعی استفاده کرده است و از دیدگاه کارشناسان این حوزه، افراد فاقد اعتراف، خالی از اطلاعات دانسته شده‌اند (منتظری^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۴).

۵. مطالعه تطبیقی

اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد که اصل بر بی‌گناهی است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود؛ از این رو در صورتی که سندی دال بر محکومیت فردی ارائه نشد، نمی‌توان به سبب آنکه اماره‌ای ضعیف، وی را محکوم می‌کند، متهم را در بازداشت نگه داشت. هرچند آیین دادرسی مدنی در مورد بازداشت موقت محدوده‌ای را مشخص نکرده است، اما به صورت عرفی، دادستانی حق تمدید بازداشت موقت را بدون دلیل موجه ندارد. قانون‌گذار در مورد روش‌های بازجویی مبتنی بر علم روان‌شناسی، چنین عقیده دارد که استفاده از این روش‌ها با هدف اقرارگیری باید به گونه‌ای باشد که متهم را تحت فشار شدید قرار ندهد و داوطلبانه اقرار کند.

در تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان، مصادیق ماده ۳۸ قانون اساسی در مورد اقرار تحت شکنجه، هرگونه وسیله‌ای که منجر به اقرار اجباری شود - حتی از نظر روانی - تعیین شده است و محدوده مشخص استفاده از این روش‌ها، نبود فشار بر متهم به دلیل شکنجه، فشار روانی، حبس طولانی و دیگر روش‌هاست. عمده کاربرد این روش‌ها، تشخیص دروغ است که در این صورت، به جریان پرونده کمک زیادی می‌کند. در صورتی که روان‌شناسی بازجویی، دروغ را محتمل بداند، می‌تواند قرار بازداشت موقت را تمدید یا با تغییر در روند بازجویی، بیشتر به سمت کشف حقیقت حرکت کرد. همان‌طور که بیان شد، مطابق با اساسنامه شورای قضایی ایالات متحده آمریکا و همچنین اختیارات ویژه‌ای که به دادستان داده شده است، دادستان به صورت نامحدود و گاه برای سال‌ها حق بازداشت فردی را بدون آنکه دلیلی قوی نسبت به اتهام وی وجود داشته باشد، دارد و این مسئله

یکی از تفاوت‌های اصلی دادرسی دو کشور است.

مسئله دیگر این است که بر اساس آنچه بیان شد، استناد به علم قاضی در حقوق ایران باید مبتنی بر قرائن و امارات باشد و قاضی نمی‌تواند به صورت مطلق مسئولیت فردی را اثبات یا رد کند، اما استناد کامل به علم قاضی و حتی اعتبار دادن به آن به درجه‌ای بالاتر از دیگر قرائن، حتی اقرار و شهادت، از ویژگی‌های نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا است. استناد به روش‌های نوین بازجویی مستقیم با علم قاضی در ارتباط است؛ همان‌طور که بسیاری از روش‌های علمی هنوز دارای خطاهایی است و قانون می‌تواند به صرف احتمال‌ها، مسئولیت افراد را تعیین کند. همان‌طور که در بخش حقوق ایران بیان شد، بسته به مجموعه و برآیند امارات و همچنین با توجه به وضعیت حقوقی و کیفری مندرج در پرونده، قاضی حق دارد به استناد علم خود و همچنین با بیان قرائن، احکامی را صادر کند، اما در نظام ایالات متحده آمریکا، گزارش‌های حاصل از روش‌های نوین کشف حقیقت که دستگاه دروغ‌سنج در رأس آن است، بالاترین دلیل اثبات شناخته شده است و به میزان و نوع پرونده وابستگی خاصی ندارد. انتقادهای تندی در سراسر جهان نسبت به چنین وضعیتی وجود دارد. در واقع در کامن‌لای آمریکا، افراد بی‌گناه بدون دلیل خاصی مدتی از زندگی خود را در زندان می‌گذرانند.

از سوی دیگر به خطاپذیری این روش‌ها هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. در واقع به استناد علمی بودن یک روش، دیگر روش‌های غیرعلمی منطقی اثبات جرم به فراموشی سپرده شده است. به نظر می‌رسد حقوق کشور ما که مبتنی بر فقه اسلامی است، در این باره رویهٔ بهتری را در پیش گرفته است که به اجرای عدالت کمک می‌کند. روش مرگ مصنوعی به صورت کلی و بر اساس مسائل حقوقی در حقوق ایران و سپس کامن‌لای آمریکا به رسمیت شناخته شده است، اما نکتهٔ قابل توجه اینکه اجرای چنین روشی، تا چه میزان با اصول منع شکنجه همسازی دارد؟ کامن‌لای آمریکا در عمل در مسائل امنیتی و سیاسی دخالت نکرده و تحقیقات مرتبط با پرونده‌های سیاسی، در عمل از دستگاه حقوقی آمریکا خارج بوده و در اختیار سیاست‌گذاران مسائل امنیتی قرار دارد. مسائل مربوط به شکنجه متهمان بارها مشاهده شده و مجامع حقوق بشر در این باره به آمریکا هشدار داده‌اند، ولی تنها مقامات امنیتی اجازهٔ بازرسی از این بازداشتگاه‌ها را داشته‌اند و اعمال شکنجه توسط سازمان سیا، همواره در حال انجام است.

در سیستم حقوقی آمریکا نیز اعمال شکنجه بی‌سابقه نیست و سیستم دادرسی این کشور در

موارد فراوانی اعتراف‌های اجباری متهمان را به رسمیت شناخته است؛ از این رو از نظر تداخل اجبار در اعتراف با روش مرگ مصنوعی که می‌تواند مبتنی بر اجبار نباشد، همپوشانی وجود دارد. کشور ما نیز مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، روش مرگ مصنوعی را به رسمیت شناخته است و اعتراف‌گیری بر این مبنا - اگر با شیوه صحیح انجام شود - می‌تواند به‌عنوان اقرار مورد استناد قرار گیرد. قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱، ضمانت‌هایی را برای اجرای صحیح روش مرگ مصنوعی پیش‌بینی کرده است و در صورت تخلف می‌توان با پیگیری قضایی، متخلفان را به عدالت سپرد؛ از این رو روش مرگ مصنوعی در ایران و آمریکا از نظر ضمانت‌اجرایی منع شکنجه با هم متفاوت هستند که البته خود نقش مهمی در مشروعیت اعتراف گرفته شده دارد.

نتیجه‌گیری

نتیجه کلی اینکه اعتراف‌گیری بر اساس شکنجه جدا از مسائل حقوقی مشروعیت لازم را ندارد، چراکه انسان برای حفاظت از خود دست به اعتراف می‌زند و ممکن است دروغ گفته باشد. این اصلی کلی است که همه علوم بر آن تأکید دارند، اما از دیدگاه روان‌شناسی اگر به متهم چنین تفهیم شود که جرم وی اثبات شده و در حال اعدام است، حتماً واقعیت را خواهد گفت و چنین اعترافی مشروعیت دارد. پیشینه فقهی روش مرگ مصنوعی نیز اعتبار آن را تأیید می‌کند؛ از این رو باید تمام تلاش‌ها با هدف عدم تداخل این روش با شکنجه اجباری انجام شود. متأسفانه نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا در این باره ضعیف عمل کرده و به اعتراف‌گیری اجباری پرداخته است. این مسئله در گزارش‌های مجامع حقوق بین‌الملل بارها مشاهده شده است. ایران با داشتن مفادی از چند قانون مهم، تأکید کرده است که روش‌های اعتراف‌گیری که مرگ مصنوعی در چهارچوب آن قرار دارد، اگر با مسئله شکنجه تداخل نداشته باشد و اعتراف اجباری تلقی نشود، مشروعیت داشته و ضمانت‌های اجرایی را برای مسئولان تعیین کرده است؛ از این رو این مسئله وجه اصلی تفاوت دو نظام حقوقی ایران و آمریکا در زمینه استفاده از روش مرگ مصنوعی در اعتراف‌گیری است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹ با آخرین اصلاحات.

آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۸۱ با آخرین اصلاحات.

بزرگمهر، امیرعباس (۱۳۸۹)، تأثیر روان‌شناسی در شهادت به‌عنوان اثبات دعوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، جلد اول.

جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۲، شماره ۶.

چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده‌های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۴.

خدابخشی، لیلا؛ ازغندی، علیرضا و هرمیداس باوند، داوود (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و عربستان در بحران سوریه با تکیه بر نظریه نواقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۳.

خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۱ ق)، تکمیل المنهاج، تهران: نشر خرسندی، چاپ سوم، جلد اول.

دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۱.

ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۲.

زارع‌شعار، حسین (۱۳۹۵)، «اقرار کیفری در حقوق ایران»، مجله فقه و مبانی حقوق، سال هفتم، شماره ۲۱.

زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: مکتبه الحیاء، چاپ سوم، جلد دوم.

زهیلی، وهبه (۱۴۱۸ ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم، جلد سوم.

زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹.

سپهری، یدالله؛ عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). «پیامدهای تقابل ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹.

سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ ه.ق)، المراسم العلویه و الأحکام النبویه فی الفقه الإمامی، قم: منشورات الحرمین، جلد اول، چاپ یکم.

سهرابی، یعقوب (۱۳۸۸)، «بررسی فقهی و حقوقی حجیت علم قاضی»، کانون وکلای دادگستری، سال چهاردهم، شماره ۱.

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۷)، جزوه درس آیین دادرسی کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- طارمی، داوود و محمد علیپور، فریده (۱۳۹۹). «جایگاه ناتو در طراحی استراتژی آمریکا پس از جنگ سرد (با تاکید بر خاورمیانه)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، بهار، سال چهارم، شماره ۱۲.
- طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۰۴ ق)، *ریاض المسائل*، مؤسسه آل‌بیت، قم: چاپ اول، جلد اول.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ ق)، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام*، قم: چاپ اول، جلد اول.
- عبدالرحمان، محمود، (۲۰۱۰ م)، *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقہیہ*، بی‌جا، چاپ دوم، جلد دوم.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر نورالتقلین*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، جلد چهارم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق)، *تذکره الفقہا*، انتشارات قم، چاپ اول، جلد اول.
- قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
- قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ با آخرین اصلاحات.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با آخرین اصلاحات.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۱۶ با آخرین اصلاحات.
- قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ با آخرین اصلاحات.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.
- کلینی رازی، ابی جعفر (۱۳۸۸ ق)، *اصول من کافی*، اسماعیلیان، قم، چاپ ۲۲، جلد اول.
- لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: قلم، چاپ چهارم، جلد اول.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۶۴)، «حجیت علمی قاضی در ارتباط با رجوع به کارشناسی»، *مجله مطالعات حقوقی و قضایی*، شماره دوم، سال اول.

Balmer, A. (2018), *Lie Detection and the Law: Torture, Technology and Truth*, Routledge.

Becker, R. F. & Dutelle, A. W. (2018), *Criminal investigation*, Jones & Bartlett Learning.

Hall, V. (2019), *Sensitizing the general public: experiential processing alters perceptions of confession evidence and minimization* (Doctoral dissertation).

Newig, J., Jahn, S., Lang, D. J., Kahle, J., & Bergmann, M. (2019), "Linking modes of research to their scientific and societal outcomes, Evidence from 81 sustainability-oriented research projects", *Environmental Science & Policy*, 101.

Troje, D., & Gluch, P. (2019), "Populating the social realm: new roles arising from social procurement", *Construction Management and Economics*.